خواندنی: قلمدان ایرانی

کیهان

آخرین بازماندهء نقاشان قلمدان ساز دو سال پیش در سن 85 سالگی‏ درگذشت و با این ترتیب دستگاه این هنر فراموش شده بسته شد.این هنرمند که غلامحسین تقوی نام داشت تقریبا از سه سال قبل بعلت کهولت و سکته‏های‏ قلبی مکرر در بستر بیماری افتاده بود و بزرگترین غمش این بود که نمی‏توانست‏ قلم مو را بدست بگیرد.این هنرمند پیش از مرگ تقریبا تمام آثار خود را بخشیده و یا فروخته بود.

قلمدان‏سازی یک حرفهء قدیمی است که امروز هیچ نشانی از آن باقی‏ نماندها ست و در سراسر ایران حتی یک نفر را اختصاصا نمیتوان سراغ کرد که به این حرفه مشغول باشد.زیرا نه مصرفی دارد و نه درآمدی که نقاش‏ با آن ارتزاق کند.

تا پنجاه سال قبل داشتن قلمدان یکی از ضروریات روزمره به حساب‏ می‏آمد.در هر خانه،روی میز هر کاسب کار و پرشال هر منشی حداقل یک‏ قلمدان پیدا میشد.مخصوصا در خانهء رجال و اعیان نوع اعلای آنها بود.آنها بعلت توانائی مالی قلمدانهای موردنیاز خود را به قلمدان‏سازها سفارش میدادند تا نقوش قلمدانهایشان اختصاصی و منحصر بفرد باشد

ارزش یک قلمدان در دورانی که رواج و رونق داشت بستگی کامل به‏ کیفیت نقوش آن داشت.تزئین و نقاشی یک قلمدان باتوجه به همین مرغوبیت‏ نقش از یک روز تا شش ماه کار می‏برد.البته پول خوبی هم در ازاء این زحمت‏ نصیب قلمدان‏ساز می‏شد.

در اواخر دورهء قاجار،نقاشان قلمدان ساز برای ساختن یک قلمدان‏ ممتاز تا پنجاه تومان مزد می‏گرفتند.این مبلغ در مقایسه با قیمت نان که هر یک من یک قران ارزش داشت مبلغ قابل توجهی بود.

طرز ساختن قلمدان

رواج این حرفه و اقبالی که مردم به قلمدان نشان میدادند باعث شده‏ بود تا این شغل از رونق چشمگیری برخوردا باشد.بطوریکه در تهران عدهء کثیری نفر از راه قلمدان‏سازی امرار معاش میکردند و طبعا عده‏ای از آنها نقاش بودند.محل کار و بازار این عده نیز جلوخان مسجد امام و سراسر بازار حلبی‏سازها بود.در آن زمان قلمدان‏سازی خود به رشته‏های فرعی تقسیم می‏شد و هرکسی در یکی از آنها تخصص داشت.عده‏ای تنها جعبه‏های قلمدان را با استفاده‏ از خرده کاغذ و تکه‏های ریز کاغذ و مقوا می‏ساختند و پس از تکمیل شدن آنرا برای‏ تزئین در اختیار نقاشان می‏گذاشتند.

نقاشان نیز پس از اتمام کار نقش‏پردازی و تزیین قلمدانها را به گروه‏ دیگری که اصطلاحا«روغن کار»نامیده می‏شدند می‏سپردند.روغن کاران‏ کارشان جلا دادن و تثبیت نقوش روی قلمدان بود.آنها از روغن مخصوصی‏ که«روغن کمان»نام داشت استفاده میکردند.این روغن مانند«سولیفون» کنونی قشر نازک و شفافی بر روی نقوش ایجاد میکرد تا رنگ قلمدانها ثابت‏ بماند و آب و رطوبت گل‏بته‏ها و نقوش قلمدان را خراب نکند.

برغم رونق قلمدان سازی،در گذشته نقاشان قلمدان در گمنامی بسر میبردند.زیرا فضای اندک قلمدان این مجال را به آنان نمیداد تا در زیر آثاری که خلق میکردند امضاء بگذارند.به همین سبب است که کمتر نامی از آنها باقی‏مانده است.بیشتر آنها با مرگشان بفراموشی سپرده شده‏اند.معدودی‏ از قلمدان سازها بسبب سبک مخصوصی که داشته‏اند از فراموشی در امان‏ مانده‏اند.

معروفترین سبک در قلمدان‏سازی از آن شخصی بنام«درویش»است. قلمدانهای این هنرمند که در اواخر دورهء زندیه زندگی میکرده امروز در زمرهء گرانبهاترین قلمدانها است.به گفتهء کارشناسان این رشته قلمدانهای‏ ساخت درویش سالهای گذشته بین هشتاد تا صد هزار تومان فروخته میشوند.

زوال قلمدان سازی

رکود این حرفه و هنر از اواخر سلطنت مظفر الدین شاه آغاز شد.در این سالها تحفهء تازه‏ای بنام عکس برگردان از فرنگ وارد شد.ورود عکس- برگردان بزرگترین ضربه را بر پیکر این حرفه وارد کرد.

تا قبل از ورود عکس‏برگردان جعبه‏های ساخته شدهء قلمدان را اجبارا برای تزیین به نقاشان می‏سپردند.اما پس از ورود این تحفهء جدید دیگر نیازی‏ به نقاش نبود.زیرا در همان کارگاهی که جعبه را می‏ساختند عکس‏برگردان را نیز بر روی آن می‏چسباندند و برای فروش به مشتری عرضه میکردند.

ورود عکس‏برگردان،تولید قلمدان را سریعتر و ارزانتر کرد.عکس- برگردان ظرف چند دقیقه بر روی قلمدان منتقل میشد.در حالیکه پست‏ترین‏ نقاشی روی قلمدان حداقل یکی دو روز کار داشت.

با این ترتیب نقاشان از گردونهء تولید قلمدان خارج شدند.اما حرفهء قلمدان‏سازی بهرحال برپا بود.بزرگترین و آخرین ضربه را پیدایش قلم‏ خودنویس و خودکار بر پیکر این حرفه وارد کرد.بطوریکه قلمدان برای همیشه‏ از پشت ویترین مغازه‏ها خارج شد و به ویترین موزه‏ها و گنجینهء گنجینه‏داران‏ پیوست.

آخرین نقاش قلمدان ساز استاد غلامحسین تقوی بود که بیش از هفتاد سال قلمزنی کرد.متأسفانه از قلمدانهای این هنرمند مجموعه‏ای بجا نمانده است. و همهء آنها در زمان حیاتش به این و آن بخشیده شده‏اند.استاد غلامحسین در کنار نقاشی روی قلمدان،تابلو نیز می‏کشید و چندتائی از آنها نزد بستگانش‏ باقی‏مانده است.